مصايب ليلا و برادرانش

14 فروردين 1402

سعيد روستايي سن و سالي ندارد اما مثل فيلمسازان دهه چهل و پنجاه ايران مي‌ماند كه بيان معضلات اجتماعي و نيش و كنايه‌هاي سياسي بخشي از دغدغه‌هاي سينماي‌شان بود. از همه بيشتر هم شبيه مسعود كيميايي است كه بلد بود در آن سال‌ها چطور داستانش را به خوبي تصوير كند، فضا را به خدمت روايت بگيرد و بازي‌هاي خوبي از بازيگرانش بگيرد. البته اين شباهت‌ها باعث نشده تا اين فيلمساز مطرح سال‌هاي اخير زير سايه فيلمساز ديگري بماند و كپي فيلمساز ديگري بشود.

او بهتر از خيلي‌ها مي‌تواند دوربينش را وارد صحنه‌هاي پرجمعيت بكند و به خوبي فضا را بسازد. قادر است مكان و جغرافيا را بخشي از اثر سينمايش كند. حرف‌هايي توي دهان شخصيت‌هايش بگذارد كه در عين نزديكي به ديالوگ‌هاي شعاري، از فيلم بيرون نزند. يا اگر مي‌زند بيننده عادي و غيرمنتقد متوجه اين بيرون‌زدگي نشود و از شنيدنش حس بدي پيدا نكند. شايد همه اينها باعث شده تا از زمان نمايش اولين فيلم بلندش (ابد و يك‌روز) تماشاگران پيگير زيادي داشته باشد. تماشاگراني كه بدون شك حاضر بودند در سالن سينما، آن‌هم پس از پرداخت هزينه تهيه بليت يا ايستادن در صف‌هاي طويل به تماشاي فيلم آخرش (برادران ليلا) بنشينند.

با اين حساب برادران ليلا حتي اگر به گفته تعداد معدودي از منتقدين فيلم بدي باشد براي صنعت سينماي ايران فيلم بدي نبود. بدون شك پول كرايه تاكسي و آب و تنقلات خريداري شده توسط بينندگانش چندين برابر پول بليت فيلم‌هاي سفارشي دولتي مي‌شد كه وقت ساختش بيشتر از خواست بيننده به رضايت مديران و تصميم‌گيران سينماي دولتي فكر شده است.

سينمايي كه تصميم‌گيرانش هميشه خود را برتر از تماشاگران و فيلمسازان و دست‌اندركاران سينما مي‌دانند. تصميم‌گيراني كه براي‌شان پر بودن سالن‌هاي سينما اهميت چنداني ندارد و خالي بودن آنها باعث ناراحتي و نگراني‌شان نمي‌شود. تصميم‌گيراني كه برخي‌شان قادر به ديدن ديش‌هاي بالاي پشت‌بام‌ها نيستند و رقباي سرسخت سينماي ايران را عددي نمي‌دانند (شايد به خاطر اينكه اگر سينماها تعطيل هم شوند براي‌شان مهم نيست) به همين دليل از كنار فيلم‌ها و فيلمسازان تاثيرگذار (به لحاظ ارتباط با مخاطبين) به سادگي مي‌گذرند. گذشتي كه گاه باعث مي‌شود فيلمساز آتش به مال يا بهتر بگويم كالاي هنري‌اش بزند. همچون سعيد روستايي وقتي فيلمش در شبكه‌هاي غيرمجاز دست به دست مي‌شود (آن‌هم قبل از اكران عمومي) از مردم بابت تماشاي فيلمش تشكر كند. فيلمي كه ميليون‌ها نفر با لذت آن را ديده‌اند و تماشاي آن را به ديگران توصيه كرده‌اند.

در اينكه بخشي از اين تماشاگران برادران ليلا را به دليل زير متن‌هاي خود ساخته يا بيرون از فيلم پسنديده‌اند شكي نيست. اما اين اتفاق حاشيه‌اي مثل بقيه حاشيه‌هاي فيلم (نظرات مسوولان دولتي، نمايش برون‌مرزي فيلم، اتفاقات و حرف‌ها و عكس‌هاي عوامل فيلم در جشنواره برلين، ديدگاه‌هاي متفاوت منتقدين فيلم دولتي، مخالف و مستقل و...) در جاي ديگري قابل درنگ و واكاوي است. جايي كه قرار است دريابيم چطور شد كه به اينجا رسيديم و چگونه مي‌توانيم سينماي ايران را به مسير درستش

برگردانیم.

*حسن لطفی/ مدرس فیلمنامه نویسی و منتقد سینما